

## پیش‌خواران

## شهادت شهیدان

**شهید دکتر مصطفی چمران**
در آئینه تحلیل پژوهشی نوانتشار

## حالات و مقامات «پرستوی دهلایه»

■ نیما احمدپور

در سیره و سلوک دانشمند مجاهد شهید دکتر مصطفی چمران، تاکنون آثاری چند منتشر شده که اثر تاریخی-پژوهشی «پرستوی دهلایه» در زمره یکی از او‌اسپین

آنهاست. این تحقیق به همت مجید نجف‌پور انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به‌انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، به مختصات حیات شهید چمران اشارات کرده و می‌نویسد:

«برای شهیدان راه خدا صفات بی‌شماری را می‌توان برشمرد، اما شاید بهترین صفتی که گویای شخصیت شهید دکتر مصطفی چمران است، همان فرمایش امیرمؤمنان می‌باشد که در وصف پرهیزگاران فرمودند: شیران روز و زاهدان شب. مصطفی چمران که در سال ۱۳۱۱ ش متولد شد، دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انصاریه تهران و دوره متوسطه را در دبیرستان‌های دارالفنون و الیز سسری کرد. او سپس وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۵ ش، در رشته برق فارغ‌التحصیل و شاگرد ممتاز گشت. او با استفاده از بورس شاگردان ممتاز دانشگاه، برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد و ابتدا در دانشگاه تگزاس فوق لیسانس مهندسی برق و سپس در یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دانشگاه‌های معروف آمریکا یعنی برکلی، دکتری خود را در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما دریافت نمود و مدتی در یکی از مراکز مهم تحقیقاتی آمریکا، مشغول به کار بود. پس از تکست اعراب در جنگ ۱۹۶۷م، چمران برای فراگیری فنون نظامی و جنگ‌های چریکی، راهی مصر شد و



شهیددکتر مصطفی چمران در دورهٔ تصدی وزارت دفاع

مدتی در مصر ماند. بعد از فوت جمال عبدالناصر، به دعوت امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان به آن سرزمین قدم نهاد. در لبنان پایه‌گذاری سازمانی چریکی و مسلح را برعهده گرفت و هم‌زمان با روشنگری اسلامی و مذهبی و تقویت روحیه و اعتقادات اسلامی و مکتبی، ورزیده‌ترین، زنده‌ترین و شجاع‌ترین رزمندگان اسلام را تربیت نمود که فرزندان و شاگردان آنها، امروز روز در لبنان براساس همین اعتقادات و روحیه شهادت‌طلبی، حماسه‌ها می‌آفرینند. چمران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مشتاقانه و همراه با گروه ۹۲ نفره نخبگان مذهبی و سیاسی لبنان، به ایران آمد و به دیدار امام خمینی (ره) شتافت و بنا به توصیه آن بزرگ در ایران ماند. سپس برای فروشاندن توطئه‌های جدایی‌طلبانه در کردستان -با آنکه معاون نخست‌وزیر بود- لباس رزم بر تن کرد و سلاح بر دوش گرفت و با سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای مسلح و به‌خصوص قوای مردمی، به خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی پرداخت و نام خود و پایه و حوادث حماسه‌ساز آن فرمان تاریخی امام خمینی را، برای همیشه در تاریخ ثبت نمود. سپس با آغاز جنگ تحمیلی راهی خوزستان شد و فرماندهی نیروهای داوطلب مردمی -نظامی را، تحت عنوان ستاد جنگ‌های نامنظم برعهده گرفت. او در ماه‌های آغازین جنگ، رشادتهای زیادی از خود نشان داد و سرانجام در سی‌ویکم خرداد ماه ۱۳۶۰، در مسیر دهلایه-سوسنگرد و بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید. امام خمینی در پیامی به مناسبت شهادت شهید چمران فرمودند: او جنگجوی پرهیزگار و معلمی متعهد بود که کشور اسلامی ما به او و امثال او احتیاج مبرم داشت. او در حیات، با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید…».

# عاریخ

کفت وگور: ۰۶۰۸۵۲۳



۲۴ مهر ۱۳۵۷،نمایی از حمله عمال ساواک به مسجد جامع کرمان

## د

در حادثه خونین مسجد جامع کرمان محمدعلی آرشام رئیس ساواک کرمان که طراح و مبتکر اقدامات وحشیانه در سرکوب انقلاب بود، نقش اصلی را داشت. آرشام در روزهای اوج انقلاب با اجبر کردن تعدادی از حبلی آبادهای بسیار کثیفی زندگی می‌کردند و پرداخت پول و رشوه به آنان، مسجد جامع کرمان را به آتش کشید، ده‌ها جلد قرآن مجید را طعمه حریق ساخت و تعداد زیادی از نمازگزاران را به خاک و خون کشید

حمله‌ور شدند و آنها را به شدت مجروح کردند. مقامات مسئول کرمان اعلام داشتند فقط یک نفر کشته شده است.اما شاهدان عینی تعداد تلفات را بیش از این ذکر کردند…». «در این حادثه تعداد زیادی از مردم مجروح و یک نفر به نام «محمد باقدرت جوپاری»، در صحن مسجد توسط یکی از نیروهای شهربانی، با شلیک مستقیم گلوله به سرش شهید شد. یکی دیگر از شهدای این فاجعه، «غلامرضا یزدان‌شناس» نام داشت که بر اثر ضربات چماق و چاقوی اوباش، به شدت زخمی شد و دو روز بعد به شهادت رسید.<sup>(۲)</sup>

■ **به آتش کشیدن قرآن‌ها**

یکی از اقدامات وقیحانه مأموران شاه، به آتش کشیدن قرآن‌ها، کتب ادعیه مسجد جامع و درب مسجد بود که این اقدام تا آن زمان سابقه نداشت. البته باید این نکته تاریخی را در نظر گرفت که در آن برهه جعفر شریف‌امامی با شعار آشتی ملی و ادعای دلجویی از روحانیت و مبارزان مذهبی، مسکان دولت را به دست گرفته بود. ایت‌الله صالحی کرمانی در این خصوص، طی ارسال تلگراف برای دفاتر مراجع تقلید در قم می‌نویسد: «شگفت‌آور است حکومتی که مدعی طرف‌داری دین و روحانیت بود، ضدانسانی نموده و مردم مسلمان را آن هم در تنها پناهگاه خود یعنی خانهٔ خداوند، این چنین مورد حمله قرار می‌دهد و با اعمال این جنایت در مورد ملت، خود را دولت آشتی ملی نیز می‌داند…»<sup>(۳)</sup> هیئت علمی دانشسرای عالی فنی کرمان، در اعلامیه‌ای در شرح این فاجعه می‌نویسد: «در ساعت ۱۷/۳۰ روز دوشنبه ۲۴ مهر ۵۷، بیش از ۱۰ هزار زن و مرد و کودک خردسال، برای همدردی با بازماندگان شهدای ۱۷ شهریور تهران در مسجد جامع گرد آمده بودند، بدون آنکه بی‌نظمی و حتی شعاری در کار باشد. در این موقع ناگهان عده‌ای از افراد زاغه‌نشین که قبلاً با مقدار ناچیزی پول و وعده و وعید -افرادى که هم‌اکنون کاملاً شناخته شده‌اند- تحریک شده و با همراه داشتن کیسه‌های سنگ و به دست داشتن چوب و

پشتیبانی کامل نیروهای انتظامی، فاجعه شیراز را باروش تازهای تکرار کردند. این‌عده پس از آتش زدن وسائط نقلیه‌ای که در خارج از مسجد بود، به داخل مسجد آمدند و در حالی که مردم به داخل شیستان پناه بودند، در، پنجره و تمام وسایل مسجد از قبیل زیلوها، بلندگوها و حتی کتاب‌های مذهبی را به آتش کشیدند. سپس کیسول‌های گاز اشک‌آور را به داخل شیبستان پرتاب کردند و نگاه مأموران به داخل شیبستان آمدند و مردم را تهدید به ماندن کردند. تراکم گاز در شیبستان مسجد سبب می‌شود که مردم برای نجات جان خود به طرف در خروجی هجوم ببرند. در این هنگام عده زیادی هدف سنگ، چوب و گلوله قرار می‌گیرند…»<sup>(۴)</sup>

پس از این حادثه کولی‌ها به خیابان‌های شهر هجوم بردند و اقدام به غارت مغازه‌های مردم کردند و چندین مغازه را غارت و به آتش کشیدند. کولی‌ها به طرف میدان ارگ حرکت و سه فروشگاه بزرگ را که تعداد زیادی اتومبیل، دوچرخه و موتورسیکلت در آنها بود، را به آتش کشیدند. سپس وارد بازار شده و مغازه‌هایی را که متعلق به معتمدین شهر است، غارت کردند. آنها مغازه‌هایی را مورد حمله قرار می‌داند که متعلق به مدت‌پزین بود و تصویرهایی از امام خمینی در پشت شیشه‌های مغازه خود نصب کرده بودند. در بعد از ظهر آن روز، مأموران و چماق به دستان در اطراف مسجد تجمع و تا پاسی از شب در خیابان رقص و پایکوبی کردند.<sup>(۵)</sup> اهالی و معتمدین کرمان معتقد بودند که حمله به مسجد جامع کرمان، قبلاً از طرف کمیسونی مرکب از روسای شهربانی، ژاندارمری، ساواک و معاون استانداری طرح‌ریزی شده است. اسناد نیز مؤید همین مطلب است. در حادثه خونین مسجد جامع کرمان، محمدعلی آرشام رئیس ساواک کرمان که طراح و مبتکر اقدامات وحشیانه و قساوت‌بار در سرکوب انقلاب بود، نقش اصلی را داشت. آرشام در روزهای اوج انقلاب با اجبر کردن تعدادی از چماق به‌دستان که به نام کولی‌ها در کرمان معروفند در کنار شهر در حبلی آبادهای بسیار کثیفی زندگی می‌کردند و پرداخت پول و رشوه به آنان، مسجد جامع کرمان را به آتش کشید، ده‌ها جلد قرآن مجید را طعمه حریق ساخت، تعداد زیادی از نمازگزاران را به

خاک و خون کشید… تا به‌زم خود مردم کرمان ا آرام کند و به تسلیم در برابر حکومت وادان نماید.<sup>(۶)</sup> همین حرکت سبب شد تا وزیر داد‌گستری دولت غلامرضا از‌هاری، برای حفظ مصلحت ساواک و آرشام، به ناصر مقدم رئیس ساواک، توصیه کند تا وی را از سمتش برکنار نماید.<sup>(۷)</sup>

■ **روایت شاهدان عینی**

حجت‌الاسلام عباس پورمحمدی در آن هنگام حمله اوباش به مسجد جامع کرمان، در آن شهر حضور داشت، چنین می‌گوید: «آنها آکولی‌ها یا حمایت نیروهای نظامی، به پشت‌پام رفته و آنجا شروع کردند به پرت کردن سنگ و آجر به طرف مردم و شکستن شیشه‌های مسجد و شلیک گاز اشک‌آور و موجب زخمی شدن تعداد زیادی از جمعیت گردیدند، به نحوی که لباس اکثر افراد اگر زخمی نبودند، ولی به خون دیگران آغشته شده بود»<sup>(۸)</sup>

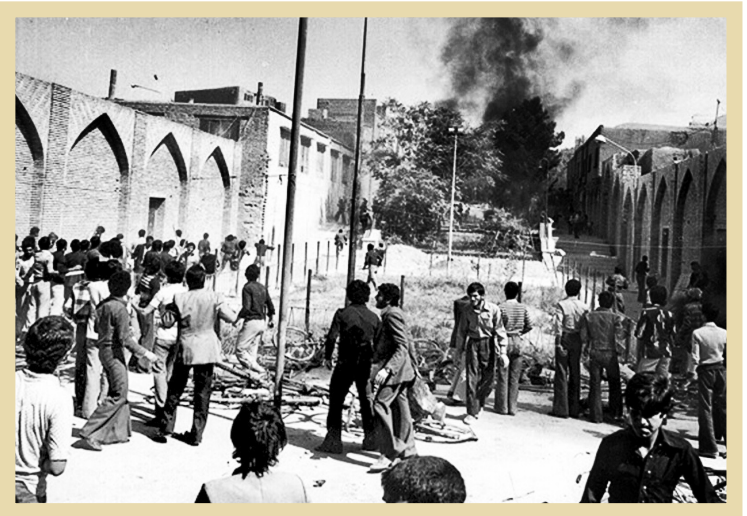
علی‌اصغر لاری از دیگر شاهدان این فاجعه، در شرح آن می‌گوید: «در ۲۴ مهر ۵۷ – که آتش‌سوزی مسجد جامع به وقوع پیوست – من شاهد بودم. حجت‌الاسلام موحدی، حجت‌الاسلام نیشابوری و عده‌ای از روحانیون دیگر، با عبای پاره

و با سنگ و چوب و سلاح گرم وارد محوطه آن شدند.<sup>(۹)</sup> نیروهای نظامی نیز با پخش گاز اشک‌آور به داخل شیبستان و ایجاد خفقان، به اوباش اجبر شده این امکان را دادند، تا راحت‌تر به مردم بی‌دفاع و بی‌سلاح حمله و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دهند. ساواک در گزارش خود، با سرپوش گذاشتن بر حقایق می‌نویسد: «دو گروه از مسجد خارج شده، در بیرون از مسجد به زد و خورد باهم ادامه دادند و پلیس برای جلوگیری از کشتار، ناچار به استعمال گاز اشک‌آور شده است…» در پی این حملات، درها و شیشه‌ها شکسته و مسجد به آتش کشیده شد و حتی به مردم در حال فرار از مسجد، حمله شد و آنان مضروب و مجروح شدند. کولی‌ها چادر از سر زنان مسلمان برداشتند و عده‌ای از آنها بدون چادر مانده و با استفاده از روحانیون، ناگزیر از فرار شدند. ایت‌الله صالحی کرمانی نیز در جریان آتش‌سوزی مسجد جامع کرمان، دچار آزدگی شد.<sup>(۱۰)</sup>

به گزارش روزنامه کیهان، حدود ۲۰۰ نفر از ساکنان زاغه‌نشین – که در کرمان به کولی‌ها معروف بودند- با در دست داشتن چوب و میله آهنی و در حال دادن شعار به طرفداری از رژیم، از چند خیابان شهر عبور و به مسجد حمله کردند: «به دنبال تعطیل همگانی و اجتماع مردم در مسجد کرمان، حدود ۲۰۰ نفر از ساکنین زاغه‌نشین – که در کرمان به کولی‌ها معروف هستند- با در دست داشتن چوب و میله‌آهنی و دادن شعار به نفع دولت، در ساعت ۵/۱۷ صبح، در حالی که حجت‌الاسلام صمدانی واعظ در مسجد جامع بالای منبر بود، این عده به مسجد رسیدند. ابتدا دوچرخه‌ها و موتورهای مردم را زوی هم انباشته، آتش زدند و با رفتن به پشت‌پام مسجد و کندن آجرهای پشت‌پام مسجد، جمعیت داخل مسجد را که ده‌ها هزار نفر بودند، مورد حمله قرار دادند. در میان جمعیت حضرت ایت‌الله صالحی و ایت‌الله رخشاد نجفی در مسجد بودند که در مراحل اولیه پخش گاز اشک‌آور بی‌هوش و دوچرخه‌های مردم در خارج از مسجد، از در و پام،

■ **هجوم کولی‌ها به مسجد**

در ۲۴ مهر ۱۳۵۷ به مناسبت اربعین شهدای ۱۷ شهریور تهران و اولین سالگرد شهادت ایت‌الله سیدمصطفی خمینی، مجلسی در مسجد جامع کرمان برگزار شد. به مجرد اینکه خطیب مراسم سخنان خود را شروع کرد، تعدادی کولی اجبر شده – که حکومت آنان را شاه‌دوست و میهن‌پرست می‌نامید- با سر دادن شعار جاوید شاه، به سمت مسجد جامع حرکت کرده و با حمایت مأموران مسلح، پس از تخریب و آتش زدن اتومبیل‌ها، موتورسیکلت‌ها و دوچرخه‌های مردم در خارج از مسجد، از در و پام،



۲۴مهر ۱۳۵۷،نمایی از حمله عمال ساواک به مسجد جامع کرمان

# مسجد سوزی

# به مثابه میراث تاریخی پهلویسم

■ **مریم صادقی بری**

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در پاییز ۱۳۵۷، رژیم پهلوی بر آن شد تا با استفاده از چماق به‌دست‌ها، خیزش بزرگ مردم را سرکوب کند. در بسیاری از موارد اوباش در کنار مأموران، به ضرب و شتم مردم پرداختند. در برخی از شهرهای کشور از جمله کرمان، حاکمیت با استفاده از ناآگاهی عده‌ای از مردم و تشویق و تطمیع آنها، افرادی را برای ایجاد رعب و وحشت به خیابان‌ها کشاند. این افراد که از قبل برای انجام اقدامات تخریبی و هراس‌افکن آماده شده بودند، بعضاً با چوب و چماق و انواع سلاح سرد و حتی گرم، به مردم حمله می‌کردند. در مقال پی‌آمده واقعه به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان و سرکوب مردم توسط اوباش، مورد بررسی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقمندان را مقید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ **سابقه انقلابی مسجد جامع کرمان**

رژیم پهلوی اول در دوم در وقایع گوناگون، به وسیله ایجادي چکمه‌پوش خود، به مسلحان هجوم برده و صن آن را به خون مردم مسلمان آغشته کرده است. چنانکه عمال رضاشاه در ۲۱ تیر ۱۳۱۴، به مردم پناه برده در مسجد گوهرشاد مشهد حمله کردند و آنها را به رگبار مسلسل بستند. نمونه دیگر حمله مأموران رژیم به مسجد جامع تهران در اسفند ۱۳۴۲ و بهمین ۱۳۴۳ است که منجر به شهید و زخمی شدن عده‌ای از مردم شد. در دوران نهضت امام خمینی، مساجد پایگاه و کانون اصلی مبارزه بودند. از جمله این مساجد، «مسجد جامع کرمان» بود که مرکز اصلی تجمع و مبارزه جوانان انقلابی پیرو امام خمینی، در این شهر به شمار می‌رفت. جلسات سخنرانی، تفسیر قرآن، برگزاری نمازهای جمعه و جماعت، نشر و توزیع اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی امام خمینی و پخش کتاب‌های انقلابی و اسلامی، از جمله فعالیت‌های این مسجد بود. ایت‌الله شیخ علی اصغر صالحی کرمانی

## کولی‌ها پس از به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان، به خیابان‌های شهر هجوم بردند و اقدام به غارت مغازه‌های مردم کردند. آنان به طرف میدان ارگ حرکت و سه فروشگاه

بزرگ را که تعداد زیادی اتومبیل، دوچرخه و موتورسیکلت در آنها بود، را به آتش کشیدند. سپس وارد بازار شده و مغازه‌هایی را که متعلق به معتمدین شهر است، غارت کردند. آنها مغازه‌هایی را مورد حمله قرار می‌دادند که متعلق به متد نینین بود

## روزنامه‌ها | شماره ۶۸۷۲

و خون آلود از مسجد خارج شده بودند، من هم در منزل یکی از اقوام که نزدیک مسجد بود، به زخمی‌هایی که از پشت‌پام فرار می‌کردند و به آن منزل می‌آمدند، کمک می‌کردم.»<sup>(۱۱)</sup>

عباس صادقی که به دست کولی‌ها به شدت مجروح شد، در روایت شرایط آن روز می‌گوید: «برای تجدید وضو به وضوخانه رفته که صدای همهمه شنیدم و از در پیچه‌ها دیدم که یکسری چماق به دست دارند می‌آیند و رفتند به سمت عکس امام و آن را پاره کردند و موتورها را آتش زدند و تعدادی عکس را – که پایین ساعت بود- آتش زدند و بعد به طرف مردم سنگ پرتاب کردند و چند نفر آمدند داخل وضوخانه که فقط کولی‌ها نبودند، بلکه مأموران هم بودند. چون فردی که جلوی من آمد، یک ساواکی بود با کت و شلوار، عینک دودی هم زد هم بود… با چوب به سر من زدند که روی زمین افتادم! آن وقت آنقدر با لگد و چوب به من زدند که از حال رفته و بعد که به حال آمدم… دوباره شروع به زدن کردند!»<sup>(۱۲)</sup>

همچنین در گزارش هیئت اعزامی مشترک جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوق‌افنان ایران، راجع به این حادثه آمده است: «کولی‌ها و اشیرار و مأمورین، در پام مسجد ظاهر شدند و با پرتادن سنگ و آجر و تیراندازی به سوی مردم، عده‌ای را مجروح کردند و مردم ناچار به داخل شیبستان‌ها هجوم بردند و درهای شیبستان‌ها را بستند. سپس حمله و هجوم اشیرار به داخل مسجد شروع شد، در حالی که با شکستن شیشه‌های کلاه فرنگی‌ها، از آنجا کیسول گاز اشک‌آور به داخل شیبستان‌ها پرتاب می‌کردند… مهاجمین با چوب و چماق‌های مخصوص – که در سر گرز مانند آنها میخ‌هایی تعبیه شده بود- به مردم حمله‌ور شدند و به شدت آنان را مضروب کردند و سر میخ چماق را، به یقه پیراهن زنها بند می‌کردند و به پایین می‌کشیدند… سپس عده‌ای از مهاجمین به داخل شیبستان‌ها هجوم بردند و قالی‌ها را آتش زدند و با بی‌رحمی مردم را با باتوم زدند…»<sup>(۱۳)</sup>

■ **کلام آخر**

نتیجه آتش زدن مسجد جامع کرمان، بیداری مردم در سایر شهرهای کشور بود و مردم با شعار «مسجد کرمان، را خلق مسلمان را، کتاب قرآن را، شاه به آتش کشید»، با حرکتی نو و انگیزه‌ای مضاعف، به خیابان‌ها آمدند و مخالفت خود با رژیم شاه را علنی کردند. مسجد جامع کرمان پس از هجوم کولی‌ها، بیشتر از گذشته، مرکز تجمع و ستاد عملیات مبارزات مردم شده بود و تا پیروزی انقلاب اسلامی و به بهانه‌های مختلف، مرکز حضور مردم بود. به طور نمونه در دوم آذر، مسجد جامع مقصد مظاهرکنندگان از کارمندان برق منطقه زرنند کرمان بود که در اعتراض به قتل یکی از همکارانشان در یزد، در مسجد برخوردار کرمان تجمع کرده بودند و سپس با حمل عکس

امام خمینی و پلاکاردهای ضد حکومتی، با عبور از خیابان‌ها، به مسجد جامع آمدند که قرار بود، مجلس ختم فرد مذکور در آن برقرار گردد. در شهرهای مختلف، از جمله حمله عمال رژیم به مسجد جامع کرمان، نه تنها از آتش پشتیبانیت نکاست که مردم ایران را برای حمایت از نهضت امام خمینی و به پیروزی رساندن آن، مقصم‌تر کرد. امام خمینی در پیامی که به مناسبت این فاجعه، چنین بیان داشتند: «از اظهارات پوچ دولت‌های آمریکا و انگلیس و شوروی، مبنی بر پشتیبانی از شاه برای حفظ منافع نهراسید که نمی‌هراسید. به شهادت تاریخ، هیچ قدرتی نمی‌تواند آتش قلب ملت مظلومی را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است، فرو نشانند. ملت ما تحمل شاه و جنایت‌های او و دارو دست‌هاش را نمی‌کند و پشتیبانان شاه از ضرری عظیم برخوردار خواهند شد. ما طالب حق خود هستیم و به حقیم و دست خدا با ماست و بالاتر از دست بر اقدرت‌های شرق و غرب است، یدالله فوق ایدیهیم…»<sup>(۱۴)</sup>

**پی‌نوشت‌ها:**

۱- سیدمبارزات یاران امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج۱۲، صص ۱۸۲ – ۱۸۱ و ۱۶۳ و ۲۵۶، ۳۳۸ – ۳۳۷.

۲- همان، صص ۳۷۱ – ۳۷۲، ۳۷۳.

۳- علی‌علیهی‌نیا، انقلاب اسلامی در کرمان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، صص ۳۶۴ – ۳۶۳.

۴- همان، صص ۳۳۴.

۵- روزنامه کیهان، ش ۱۴۴۰، ص ۷.

۶- علی‌علیهی‌نیا، انقلاب اسلامی در کرمان، صص ۳۶۶.

۷- همان، صص ۳۸۲ – ۳۸۲.

۸- مجله خوندانی‌ها، ۶۱بان ۵۷، ش ۷، ص ۵.

۹- علی‌علیهی‌نیا، انقلاب اسلامی در کرمان، صص ۳۷۹ – ۳۷۸.

۱۰- یاران امام به روایت اسناد ساواک: شهید ایت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۳۷۶، ص ۵۴۹.

۱۱- فریاد بعثت: فخرالدین حجابی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۳۸۳، صص ۴۸۱

۱۲- علی‌علیهی‌نیا، انقلاب اسلامی در کرمان، صص ۳۷۰ – ۳۶۹.

۱۳- فاطمه روح‌الامینی، سعید شاه‌رخی، انقلاب اسلامی در کرمان، کرمان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱.

۱۴- همان.

۱۵- صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، نهضت آزادی ایران، ج ۹، قسمت دوم، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

۱۶- مجله‌ه امام، جلد ۲، صص ۱۵۱ – ۱۵۸.